



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: تفسیر و علوم قرآن

عنوان پایان نامه

عوامل مؤثر بر نیازهای انسان از منظر قرآن کریم

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین علی اوسط باقری

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد فقیهی

دانش پژوه

سید مجتبی فقیهی آفرانی

ماه و سال

مهر ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس و ... از این پایان نامه
برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) محفوظ بوده، نقل مطالب با ذکر
مأخذ بلامانع است.

اهداء

تقديم به پیشگاه حضرت حق

تقديم به بقیة الله الاعظم، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

و آنکه بر سر سفره او هستیم: کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام

و مادرشان حضرت زهرا صدیقه کبری علیها السلام

و در انتها تقديم به تمام شهیدان مدافع حرم به خصوص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

تقدیر و تشکر

الحمد لله على ما انعم وله الشكر على ما الهنم

الحمد لله الذى هدانا وله الشكر على ما اولانا

خداوند متعال را شاكرم كه در پرتو عنايات حضرت ولى عصر ارواحنا فداه و ولى نعمت ما حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها و دعا پدر و مادرم اين توفيق به من داده شد تا اكنون اين پايان نامه را به پايان رسانده ام، لازم است در اينجا از تمام كسانى كه من را در اتمام اين پايان نامه يارى رساندند تشكر كنم.

ابتدا از حضرت علامه مصباح يزدى حفظه الله كه با بلندى نظر و بصيرت خويش موسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى را بنیان نهاد، نهايت تقدير و تشكر را دارم.

از اساتيد خودم استاد راهنما حجت الاسلام و المسلمین جناب آقاى دكتر على اوسط باقرى كه مخلصانه و موشكافانه در اصلاح اين پژوهش وقت گران بهاى خود را به من هديه دادند كمال تشكر و سپاس را دارم، همچنين از استاد مشاور عزيزم حجت الاسلام والمسلمین دكتر سيد احمد فقيهى كه مشورت هاى بسيار مفيد و قابل توجهى را به حقير ارائه فرمودند كمال تشكر و سپاس را دارم .

همچنين از تمامى دست اندركاران معاونت آ«وزش اين موسسه به ويژه مديريت تحصيلات تكميلي و اداره پايان نامه ها و نيز از مسئولين محترم گروه آموزشى تفسير و علوم قرآن به ويژه آيت الله محمد رجبى مدير محترم گروه كه زحمات فراوانى در به ثمر رسيدن اهداف موسسه مى كشند قدردانى مى كنم.

در نهايت از همسر فداكار و مهربانم كه در تمامى مراحل زندگى و تدوين اين پژوهش يار و همراه من بوده و تمام سختى ها را به جان خريده است و همچنين فرزندان عزيزم كمال تشكر را دارم و اميدوارم كوتاهى هاى من را در اين مدت ببخشند.

چکیده:

یکی از مباحث مهم انسان‌شناختی، نیازهای انسان است. نیاز عبارت است از نوعی حالت کمبود و فقدان در انسان و در واقع احساس نیاز یعنی احساس این فقدان و کمبود، برخی نیازهای انسان را منشأ رفتارهای انسان می‌دانند و برخی از دانشمندان بر نقش احساس نیاز در رفتار تأکید کرده‌اند. انسان وقتی نسبت به چیزی احساس نیاز کرد، بدان میل پیدا می‌کند و در صدد انجامش برمی‌آید.

پاسخ به نیازهای به صورت نامحدود و مدیریت نشده امکان ندارد، و مدیریت نیازها به گونه‌ای که برآیند پاسخ به آنها به کمال انسان که قرب به خدای سبحان است، بینجامد دارای اهمیتی فوق العاده است و مدیریت نیازها بدون شناخت عوامل مؤثر بر آنها امکان ندارد. از این رو بررسی عوامل مؤثر بر نیازهای انسان شایسته تلاش علمی است. در این پژوهش عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان از منظر قرآن شریف که کتاب جامع هدایت است با روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده است. مراد از تأثیر، ایجاد، تقویت و تضعیف و جهت‌دهی یک نیاز است.

عوامل درونی مؤثر بر نیازهای انسان به عوامل بینشی، عوامل گرایشی، و عوامل رفتاری قابل تقسیم است. شناخت از جمله شناخت حقایقی مانند خداوند و معاد از عوامل بینشی می‌باشد و محبت، خوف، رجاء عوامل گرایشی مؤثر بر نیازهای انسان از منظر قرآن هستند، عوامل بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان به عوامل الهی و غیر الهی قابل تقسیم است، توفیق الهی و شیطان از عوامل الهی می‌باشد و خانواده و معاشرت از جمله عوامل غیر الهی مؤثر بر نیازهای انسان از منظر قرآن هستند.

کلید واژگان: نیازهای انسان، عوامل مؤثر بر نیاز، عوامل درونی مؤثر، عوامل بیرونی مؤثر

فهرست مطالب:

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱ کلیات	۲
۱-۱-۱ مسئله تحقیق:	۲
۱-۱-۲ پیشینه تحقیق:	۲
کتاب‌ها:	۴
پایان‌نامه‌ها:	۶
مقالات:	۸
۱-۱-۳ سوالات تحقیق:	۹
سوال اصلی:	۹
سوال های فرعی:	۱۰
۱-۱-۴ ضرورت تحقیق:	۱۰
۱-۱-۵ روش تحقیق:	۱۰
۱-۲ مفاهیم	۱۱
۱-۲-۱ نیاز:	۱۱
۱-۲-۱-۱ مفهوم لغوی:	۱۱
۱-۲-۱-۲ واژگان بیانگر مفهوم نیاز در قرآن:	۱۱
۱-۲-۱-۳ معنای اصطلاحی نیاز:	۱۷
۲-۲-۱ عوامل	۱۹
۱-۳ دسته بندی نیازهای انسان:	۱۹

۲۰	الف) نیازهای اولیه و ثانویه
۲۰	ب) نیازهای فطری
۲۱	نیازهای پست و متعالی:
۲۴	نیازهای متعالی انسان:
۲۹	فصل دوم: عوامل درونی مؤثر بر نیازهای انسان
۳۰	مقدمه
۳۱	۲-۱ عوامل بینشی
۳۱	۱-۱-۲ شناخت:
۳۵	۱. شناخت خدا:
۴۵	نتیجه:
۴۶	۲-۲ عوامل گرایشی:
۴۶	۱-۲-۲ محبت:
۵۵	۲-۲-۲ خوف:
۶۴	۳-۲-۲ رجاء:
۷۰	۲-۳ عوامل رفتاری
۷۰	۱-۳-۲ ایمان
۷۸	۲-۳-۲ توکل:
۸۵	۳-۳-۲ صبر و استقامت:
۹۴	فصل سوم: عوامل بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان
۹۵	مقدمه:
۹۶	۳-۱ عوامل الهی:

۳-۱-۱	توفیق الهی:	۹۶
۳-۱-۲	شیطان:	۱۰۳
۳-۲	عوامل غیر الهی:	۱۱۴
۳-۲-۱	خانواده:	۱۱۴
۳-۲-۲	معاشرت:	۱۲۲
	خاتمه	۱۳۱
	نتایج	۱۳۲
	پیشنهاها	۱۳۴
	منابع:	۱۳۴

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ مسئله تحقیق:

زمانی که در جامعه انسانی رفتارهای متفاوتی را از افراد مختلف در زمینه‌های مختلف مشاهده می‌کنیم، اینکه عده‌ای از انسان‌ها مدام کار می‌کنند، زندگی خود را برای اهداف مختلف به خطر می‌اندازند، عشق می‌ورزند، عبادت می‌کنند، فردی را دوست دارند و یا از فردی متنفر هستند یک سؤال را در ذهن انسان ایجاد می‌کند که سبب این اعمال و رفتارهای متفاوت چه چیزی هست؟

نیاز یک مفهوم عمومی است که در زمینه‌های مختلف کاربردهای متفاوتی دارد و بر حسب موارد تعریف‌های متعددی برای آن اشاره می‌گردد، در روانشناسی نیاز عبارت است از حالت محرومیت، کمبود و فقدان در ارگانیزم، مانند کمبود غذا، آب و اکسیژن یا به طور کل کمبود هر حالتی که برای استمرار و ادامه حیات یک موجود زنده ضرورت دارد.^۱

اما نکته‌ای که هست اینکه نیازه به تنهایی نمی‌تواند عامل فعالیت انسان باشد، در واقع در تعریف نیاز به حالت کمبود و فقدان عبارت صحیح این است که بگوییم نیاز عبارت است از ((احساس کمبود و فقدان))، در واقع آن چیزی که عامل فعالیت انسان بوده است احساس نیاز است. وقتی انسان نسبت به چیزی در درون خود احساس نیاز کرد در جهت نیل به آن تلاش می‌کند، میل فطری انسان زمانی انسان را وادار به فعالیت می‌کند که توأم با احساس عجز و نیاز باشد.^۲

در بین نیازهای انسان یک سری از نیازها هستند که اختلال در آن‌ها بقا و سلامت مادی و ظاهری انسان را مخدوش می‌کند مانند نیاز انسان به تغذیه مناسب، پوشاک و مسکن و امکانات رفاهی که در اصطلاح به این گونه نیازهای پست یا مادی می‌گویند اما در مقابل یک دسته از نیازهای انسان‌ها هست که در مرتبه بالاتری قرار دارد و آن دسته از اقتضات انسان را شامل می‌شود که با جسم و روح انسان در ارتباط است مانند نیاز به امنیت، آرامش یا نیاز به پرستش که در اصطلاح به این گونه نیازهای متعالی می‌گویند.^۳

۱ عنایت‌الله، شکبیاپور، دایرةالمعارف روان‌شناسی، ص ۱۱۳

۲ مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، جلد ۲، ص ۱۱۳

۳ مرویان، سید محمود، نیازهای انسان از منظر آموزه های دینی و روان شناسی، ص ۱۳

از طرفی دیگر انسان ذاتاً موجودی کمال طلب است و میل به سعادت و کمال نهایی دارد بنابراین برای رسیدن به این کمال و سعادت پاسخ نامحدود و بدون مدیریت به نیازهای متنوع مادی و معنوی ممکن نیست در حالی که یکی از مشکلات بشر مدیریت نیازهای انسان است به گونه‌ای که نیازهای پست مزاحم نیازهای متعالی نباشند بلکه برآوردن آن‌ها در خدمت کمال انسان یعنی قرب به خدای متعال باشد. در صورتی نیاز انسان به سمت هواهای نفسانی تمایل پیدا کند و تمامی دغدغه انسان تأمین نیازهای پست قرار بگیرد و در این امر افراط هم کند پست‌تر از بهائم هم می‌شود و چنانکه نیازهای انسان به سمت نیازهای متعالی سوق پیدا کند و راه تزکیه و هدایت را بپیماید به مراتب بالای کمال انسانی نائل می‌گردد، لذا برای به دست آوردن نیازهای متعالی که باعث به کمال رسیدن انسان می‌شود و دور شدن از نیازهای پست که انسان را از راه کمال دور می‌کند و به اسفل السافلین سقوط می‌کند، به‌طور قطع عواملی در پیدایش و شکوفایی یا تقویت این نیازها اثرگذارند که ما نیاز به شناخت این عوامل داریم، بدون شناخت عوامل مؤثر بر نیازهای انسان، اعم از عوامل درونی و عوامل بیرونی، مدیریت نیازها امکان‌پذیر نیست، از آنجاکه بدون کمک وحی الهی شناسایی درست و کامل عوامل مزبور ممکن نیست، شناخت آن‌ها با استناد به آیات کریمه قرآن که کتاب جامع هدایت است، گامی اساسی برای حل مشکل یادشده هست.

عوامل جمع عامل به معنای موجب و سبب چیزی است و مقصود از عوامل در این پژوهش، اموری هست که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، چندجانبه یا از جهتی خاص، با قصد یا بدون قصد بر نیازهای انسان به نحو ایجابی یا سلبی اثر بگذارد. از طرفی برخی از عوامل هستند که در درون خود انسان می‌باشند یعنی آن دسته از عواملی که به بینش و گرایش و توانایی و رفتار انسان بازمی‌گردند که به آن‌ها عوامل درونی می‌گوییم و در طرف مقابل برخی عوامل هستند که از بیرون بر انسان اثر می‌گذارند که به‌واسطه ارتباطی که وی با انسان‌های دیگر و با خداوند یا با طبیعت دارد در او اثر می‌کنند که به این دسته عوامل بیرونی می‌گوییم. پس مقصود از عنوان تحقیق ((عوامل درونی و بیرونی مؤثر به‌صورت ایجابی یا سلبی و با قصد یا بدون قصد بر نیازهای انسان از منظر قرآن)) است که با شناسایی نیازهای انسان از منظر قرآن و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها از منظر قرآن به انجام خواهد رسید.

در این پژوهش بعد از گزارش نیازهای انسان در قرآن، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر آن‌ها و تأثیر ایجابی، سلبی، مستقیم و غیرمستقیم عوامل از منظر قرآن موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱ پیشینه تحقیق:

در بحث نیازهای انسان منبع مستقل زیاد به چشم نمی‌خورد اما از آنجایی که بحث نیازهای انسان با بحث گرایش‌ها نزدیک می‌باشند لذا به بیان منابعی که در قالب کتاب یا مقاله و یا پایان‌نامه مرتبط به موضوع این پژوهش هست می‌پردازیم:

کتاب‌ها:

۱. نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی، سید محمود مرویان حسینی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۳

مؤلف در این کتاب نیازهای انسان را به چهار دسته نیازهای مادی، روانی، شناختی و معنوی تقسیم کرده است و در هر باب در مورد مصادیق و راهکارهای تأمین نیازها بحث کرده است و در آخر به نقد برخی از مکاتب مربوط به نیازهای انسان پرداخته است.

نکته‌ای که هست مؤلف در این کتاب با در نظر گرفتن بحث‌های خوبی که در مورد انواع نیازهای انسان و ذکر مصادیق این نیازها بیان کرده است همه نیازهای انسان را بررسی نکرده است و مبحثی در باب عوامل مؤثر بر نیازهای انسان به میان نیاورده است.

۲. روانشناسی در قرآن، محمد کاویانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳

مؤلف در این کتاب در فصل چهارم به بحث عوامل مؤثر بر انگیزش‌های انسان می‌پردازد و عوامل را به دودسته عوامل بیرونی و عوامل درونی تقسیم‌بندی می‌کند که از جمله عوامل محیط، تربیت، شرایط جسمانی، تشویق‌ها و تنبیه‌ها، شیطان و غیره را به عنوان عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر انگیزش‌های انسان معرفی می‌کنند.

ایشان در بیان تقسیم‌بندی برای عوامل تقسیم خوبی ارائه داده‌اند اما سه نکته قابل توجه است اول اینکه ایشان بحث خیلی مختصری را در مورد عوامل مطرح کرده‌اند که در حد بیان نام عوامل هست و دوم اینکه بحث ایشان تمام آیات قرآن را به شکل تفسیر موضوعی موردبررسی قرار نداده است.

۳. اسلام و روانشناسی، محمود بستانی، ترجمه محمود هوشم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان

قدس، ۱۳۸۷، چ اول.

مؤلف در بخشی از این کتاب به بررسی نیازهای مادی انسان از بر اساس قرآن و روایات پرداخته است. نکته‌ای که قابل توجه هست این است یکی اینکه بیشتر به بررسی دلالتی روایات پرداخته است و دوم اینکه به عوامل مؤثر بر نیازهای انسان پرداخته است.

۴. روش‌های تربیت اخلاقی قرآن در المیزان، سید احمد فقیهی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳

مؤلف در این کتاب مطالب را در پنج فصل ارائه داده‌اند و در مجموع کتاب بیان کاملی نسبت به عوامل زمینه‌ساز شکوفایی انگیزه‌ها در بعد تربیت اخلاقی و از نگاه المیزان ارائه می‌دهند و عواملی چون انذار و تبشیر، محبت و شناخت حقیقت دنیا و جهان آخرت رو از این عوامل می‌دانند. در مورد این کتاب چند نکته موردتوجه هست:

۱. بحث ایشان ناظر به المیزان هست و فقط دیدگاه‌های یک مفسر یعنی علامه طباطبایی را در این زمینه آورده‌اند و نظری به تفسیر موضوعی آیات ندارند.
۲. ایشان عواملی را بیان کرده‌اند که مربوط به روش‌های تربیتی اخلاقی است و به بیان کلیه عوامل مؤثر نپرداخته‌اند.
۳. نگاه ایشان هم در بعد انگیزش و گرایش‌های انسان هست و نگاه مستقلی به بحث نیازهای انسان و عوامل مؤثر بر آن‌ها نداشته‌اند.

۵. اخلاق در قرآن، جلد ۲، علامه محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۶

مؤلف در این کتاب در بخش سوم در مورد رابطه انسان با خود بحث می‌کنند که در بخشی به ابعاد ویژگی‌های نفس پرداخته و ساختار نفس انسان را به هر می سه بعدی تشبیه می‌کنند که دارای سه بعد علم و قدرت و محبت است. ایشان اصل و اساس همه انگیزه‌ها را در حب نفس می‌دانند که از آن سه گرایش اصلی سرچشمه می‌گیرد: حب بقاء و حب کمال و لذت‌جویی که هر کدام از آن‌ها فروعاتی دارند. ایشان در بیان هر کدام از این گرایش‌ها

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این گرایش‌ها که زمینه‌ساز شکوفایی و ایجاد این‌ها هست را معرفت و شناخت انسان معرفی می‌کنند.

سه نکته در مورد این کتاب مطرح هست:

۱. مؤلف در این کتاب به‌طور مستقل به بحث نیازهای انسان که موضوع پژوهش ما هست پرداخته است.
۲. باوجوداینکه در این کتاب مؤلف منحصر بر محور امیال انسان هست اما به‌طور اجمالی عواملی را که مؤثر بر گرایش‌های انسان هست بیان کرده است اما بازهم بحث مستقلی برای عوامل نمی‌آورده‌اند و در ضمن بیان مسائل مختلف به این بحث هم اشاره کرده‌اند.
۳. در بحث بیان عوامل مؤثر بر گرایش‌ها ایشان تمام عوامل را مطرح نکرده‌اند و به‌طور مختصر فقط به دو عامل پرداخته‌اند.

۶. نگرش و ایمان، هادی رزاقی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، بهار

۱۳۸۷

در این کتاب مؤلف در فصل سوم در بیان رابطه متقابل ایمان و رفتار به بیان تأثیر ایمان بر انگیزش می‌پردازند و در مورد تأثیر ایمان بر انگیزه‌های انسان صحبت می‌کنند و ایمان را باعث مضاعف شدن انگیزه‌ها می‌دانند زیرا تصمیم مؤمن به پایداری، انگیزه‌ای را در او به وجود می‌آورد که با انگیزه درونی موجود جمع می‌شود.

ایشان در بیان تأثیر ایمان در انگیزه موفق بوده‌اند اما نکته‌ای که هست این است که ایشان فقط ایمان را به‌عنوان عامل مؤثر بر انگیزش ذکر کرده‌اند و بقیه عوامل در دایره بحث ایشان نبوده است و همچنین بحث مستقلی هم از عوامل مؤثر بر انگیزش به میان نی آورده‌اند ضمن اینکه بحث ایشان ناظر به قرآن نیست.

پایان نامه‌ها:

۱. سیمای نیازهای انسان از منظر قرآن کریم، مهدی تهری نصر، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، کارشناسی

علوم قرآنی، ۱۳۸۵.

این پژوهش درصدد آن است که نیازهای انسان را از دیدگاه قرآن کریم و روایات، ترسیم و تحلیل نماید. نویسنده به دیدگاه اسلام در مورد انسان که موجودی جسمانی - روحانی است اشاره می‌کند و نیازهای او را مادی و معنوی می‌داند. مهم‌ترین نیازهای مادی او عبارت‌اند از: تغذیه، پوشاک، مسکن، نیاز جنسی، کار و ثروت.

این بخش از مطالب این پژوهش با بحث تقسیم‌بندی‌های نیاز ما هم‌پوشانی دارد اما ایشان بحثی از دیگر نیازهای انسان و عوامل مؤثر بر این نیازها به میان نی آورده‌اند.

۲. نیازهای متعالی بشر از دیدگاه قرآن کریم، محمدمهدی پور علی فرد، پایان‌نامه ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳

مؤلف در این پژوهش در فصل اول به بحث تعاریفی از نیازهای انسان و به‌ویژه نیازهای متعالی پرداخته است و سپس به یک نیازشناسی در حوزه نیازهای متعالی انسان و ذکر ملاک‌های ویژگی‌های نیازهای متعالی پرداخته است. با ذکر این نکته که موارد خوبی در باب نیازهای متعالی توسط ایشان بیان‌شده است اما دو نکته حائز اهمیت هست اول اینکه ایشان فقط در مورد نیازهای متعالی انسان بحث کرده‌اند و دراین‌بین تمام نیازها را هم موردبررسی قرار نداده‌اند و نکته دوم اینکه بحث جامعی از عوامل مؤثر بر نیازهای انسان را مطرح نکرده‌اند.

۳. انگیزش در اخلاق از دیدگاه قرآن کریم، هادی رزاقی، پایان‌نامه ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷

مؤلف این پژوهش در فصل چهارم شیوه‌ها و زمینه‌های تقویت انگیزش اخلاقی را بیان می‌کند و سه عامل تقویت آگاهی، تحریک عواطف به ارزش‌های اخلاقی و اصلاح شرایط را از عوامل مؤثر بر انگیزش می‌دانند.

نکته‌ای که هست این است که اولاً ایشان بحث عوامل را به صورت مختصر بیان می‌کنند و همه عوامل را بررسی نمی‌کنند ثانیاً بحث ایشان ناظر به برخی آیات بوده و همه آیات را بررسی نکرده‌اند.

مقالات:

۱. نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو، محمدصادق

شجاعی، دو فصلنامه مطالعات اسلام روانشناسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶

مؤلف در این پژوهش ابتدا به بیان تعریف‌هایی از مفهوم نیاز پرداخته است و سپس بعد از بیان اهمیت نیاز در زندگی انسان فهرست و طبقه‌بندی نیازهای از نگاه روانشناسان را بیان نموده و نقد و بررسی کرده است و در انتها توجه ویژه‌ای به نیازهای معنوی انسان‌ها داشته است، مؤلف در این مقاله نیازهای معنوی انسان را در چهارچوب هرم نیازهای مازلو بیان کرده است.

باوجود نکات مثبتی که در این مقاله به چشم می‌خورد مانند بررسی نیازهای انسان از نگاه اسلام و ارائه طبقه‌بندی از نیازها اما مؤلف در این مقاله در مورد عوامل مؤثر بر نیازهای انسان بحثی به میان نیاورده است لذا با توجه به مرتبط بودن مباحث با فصل اول و دوم پژوهش حاضر از این مقاله استفاده می‌شود.

۲. نیازهای مادی انسان از نگاه قرآن و سنت، سید محمود مرویان، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی

(آموزه‌های قرآنی)، پاییز ۱۳۸۰

مؤلف در این مقاله به بحث نیازهای مادی انسان و انواع آن‌ها پرداخته است و در بین این نیازها به نیاز به تغذیه، نیاز به پوشاک، مسکن و استراحت، نیاز انسان به مال و امکانات رفاهی و نیاز انسان به تقویت قوای جسمانی پرداخته است.

باوجود نکته مثبتی که در مقاله ایشان وجود دارد و آن‌هم بیان نیازهای مادی از نگاه قرآن حدیث اما دو نکته قابل توجه هست اول اینکه ایشان به تمام نیازها نپرداخته‌اند و تمام آیات و احادیث را بررسی نکرده‌اند و نکته دوم اینکه به بیان عوامل مؤثر بر این نیازها نپرداخته‌اند، لذا به دلیل اینکه ما در یکی از فصل‌ها ابتدا به بیان انواع نیازهای انسان و ارائه دسته‌بندی در مورد این نیازها می‌پردازیم این مقاله موردتوجه هست.

۳. نقد و بررسی قرآنی سلسله‌مراتب مازلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم، سهراب مروتی و دیگران،

دو فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۴۶.

در این مقاله فهرستی از نیازهای انسان ازجمله نیازهای زیستی قابل‌استفاده از آیات، به‌عنوان مقدمه ذکر شده است. در ادامه به بررسی و نقد قرآنی این نظریه پرداخته و به چند نمونه معارض با آن در آموزه‌های اسلامی اشاره کرده است.

باوجوداینکه مؤلف در این پژوهش به بررسی برخی از نیازهای انسان پرداخته است اما اولاً همه نیازهای انسان را مدنظر قرار نداده است و ثانیاً بحثی از عوامل مؤثر بر نیازهای انسان مطرح نکرده است.

۴. بررسی کارایی و اثربخشی با تکیه بر عوامل انگیزشی از دیدگاه اسلام، علی صباغیان، پژوهش‌های

مدیریت راهبردی، بهار ۱۳۸۱

مؤلف در این مقاله به بحث نیازها و انگیزه‌های انسان می‌پردازد و در بخشی به بیان عامل ایجاد انگیزه می‌پردازد و سه عامل بالا بردن سطح آگاهی مردم، شخصیت دادن به مردم و دادن آزادی در انتخاب را از عوامل مؤثر بر انگیزه معرفی می‌کنند

باوجوداینکه ایشان بحث خوبی در مورد عوامل مؤثر بر انگیزه‌های انسان بیان می‌کنند اما نکته قابل‌توجه است اول اینکه ایشان همه عوامل را بررسی نکرده‌اند و به‌صورت مختصر به بحث عوامل پرداخته‌اند و دوم اینکه نگاه قرآنی در بحث ایشان موجود نیست.

۳-۱-۱ سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

عوامل مؤثر بر نیازهای انسان از منظر قرآن چیست؟

سوال های فرعی:

۱. انواع نیازهای انسان از منظر قرآن چیست؟
۲. عوامل درونی مؤثر بر نیازهای انسان چیست؟
۳. عوامل بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان چیست؟

۴-۱-۱ ضرورت تحقیق:

انسان فطرتاً به دنبال کمال گرایی و سعادت می باشد، خداوند انسان را نیازمند آفریده است تا همیشه در تکاپو برای جبران کاستی های خود و ارضای نیازهای خود باشد و به همین وسیله مسیر تکامل را بپیماید لذا با توجه به اینکه رسیدن به کمال و سعادت در انسان وابسته به اعمال اختیاری انسان هست قدم اول در جهت اینکه انسان بتواند در مسیر کمال قرار بگیرد مدیریت نیازهای خود هست و این مدیریت نیاز صورت نمی پذیرد مگر اینکه انسان ابتدا آگاهی مناسب و کافی را نسبت به عوامل مؤثر بر نیازهای خود داشته باشد؛ بنابراین نفس این آگاهی ها در سرنوشت آدمی تأثیر اساسی دارد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه بامطالعه منابع دیگر اولاً پژوهش مستقلی در این مسئله مشاهده نشد و اگر هم پژوهشی بود یا به صورت تفصیلی به این مسئله پرداخته بودند و یا اینکه نگاه قرآنی نسبت به این مسئله نداشتند لذا با توجه به اهمیت این دو موضوع نیاز دیده شد که به این پژوهش پرداخته شود.

۵-۱-۱ روش تحقیق:

با توجه به اینکه ما در این پژوهش درصدد توصیف مسئله از دیدگاه آیات قرآن برای کشف عوامل تأثیرگذار بر نیازهای انسان از دیدگاه قرآن هستیم و از جهت دیگر با توجه به اینکه عوامل مؤثر ممکن است درونی یا بیرونی باشد باید تحلیلی صورت بگیرد در مورد نحوه تأثیر سلبی یا ایجابی این عوامل به صورت مستقیم بر نیازها و به صورت غیرمستقیم بر رفتار و شخصیت انسان از دیدگاه قرآن، لذا روش تحقیق در این پژوهش روشی توصیفی تحلیلی خواهد بود.

با توجه به رویکرد این پژوهش که رویکرد قرآنی است لذا با روش تفسیر موضوعی به حل این مسئله پرداخته خواهد شد.

۲-۱ مفاهیم

۲-۱-۱ نیاز:

۱-۲-۱-۱ مفهوم لغوی:

در ابتدا لازم است اشاره‌ای به معنای لغوی واژه نیاز در فرهنگ‌های لغت مختلف داشته باشیم.

نیاز به معنای حاجت است در فرهنگ معین گفته شده است نیاز به معنای احتیاج و حاجت هست^۱، فرهنگ فارسی نیاز را به معنای حاجت، احتیاج، میل به محبوب و اظهار محبت گرفته است.^۲

لغت‌نامه دهخدا از احتیاج به عنوان معنای لغوی نیاز نام برده است^۳ و فرهنگ عمید در تعریف لغوی نیاز به احتیاج، حاجت، عشق و آرزو نذری که برای گرفتن مراد و حاجت به کسی یا جایی بدهند اشاره کرده است طبق گزارش عمید در لهجه و گویش بختیاری به «تکه پارچه سبزرنگی که معمولاً از شال سیدان گیرند و برای دفع چشم‌زخم به لباس کودک وصل کنند.» نیاز گویند؛ و به لهجه و گویش مازنی «پرچین موقت از شاخه‌های درختان» را نیاز گویند؛ و در لهجه و گویش تهرانی بر «صدقه و نذر» نیاز اطلاق می‌شود.^۴

از مجموع گفتارهایی که در فرهنگ‌های لغت مختلف مشاهده می‌شود می‌توان این گونه برداشت کرد که همگی بر سر یک معنی از نیاز اتفاق دارند و آن‌هم به معنای «(حاجت)» و «(احتیاج)» هست که با توجه به معنایی که فرهنگ فارسی بیان کرده می‌توان بحث میل به محبوب وجود محبت را در معانی نیاز در بحث‌های آینده مورد توجه قرار داد.

۲-۱-۲-۱-۲ واژگان بیانگر مفهوم نیاز در قرآن:

۱ معین، تک جلدی، ۱۱۴۱

۲ فرهنگ فارسی، مهشید مشیری، ۱۱۲۵

۳ لغت‌نامه دهخدا جلد ۱۴، ۲۰۲۶

۴ فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ۱۲۹۵

چون نیاز یک واژه فارسی هست لذا برای اینکه بتوانیم مفهوم نیاز را در قرآن بررسی کنیم باید به واژگانی دست یابیم که در قرآن به کار رفته و حاکی از مفهوم نیاز هست. تعداد از این واژگان عبارت‌اند از:

۱. حَاجَه:

این واژه که از ریشه ح و ج هست که در قرآن کریم هم به کار رفته است:

در آیه ۸۰ سوره غافر حَاجَه به معنای نیاز به کار رفته است:

((وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ))؛ و شما را در آن‌ها سودهایی است (استفاده از شیر و پشم و پوست و اولاد و فضلات و معاملات) و (آن‌ها را آفرید) برای آنکه (به وسیله بار کردن کالا) بر آن‌ها به نیازی که در دل‌هایتان است برسید و بر روی آن‌ها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید.

بر طبق تفاسیر کلمه حَاجَه در این آیه به نیاز تعبیر شده است، یعنی غرض دیگر از خلقت آن‌ها این است که بر پشت آن‌ها سوار شوید و به مقاصد و حاجت‌هایی که در سینه دارید برسید.

مفردات در ذکر معنای لغوی حَاجَه این گونه می‌گوید: ((الْحَاجَةُ إِلَى الشَّيْءِ: الْفَقْرُ إِلَيْهِ مَعَ مَحَبَّةٍ)).^۱

معجم مقایس اللغة در باب معنای حَاجَه می‌نویسد ((الحاء والواو الجيم أصل واحد وهو الاضطراب إلى الشئ)).^۲

۲. فقر:

این واژه فقط ۲ بار در قرآن آمده است. در آیه ۳۲ سوره نور که خداوند متعال می‌فرماید:

((وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ))؛ (ای اولیاء جوانان) عزب‌ها و بی همسران‌تان را و از بندگان و کنیزان‌تان آن‌هایی را که صلاحیت ازدواج دارند همسر دهید؛ اگر فقیر باشند خداوند از فضل خویش بی‌نیازشان می‌کند و خداوند دارای وسعت نامتناهی و داناست.

همچنین در آیه ۱۵ سوره فاطر خداوند متعال می‌فرماید:

۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۲۶۳

۲) ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، ج ۲، ص: ۱۱۴

((يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ))؛ ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز و ستوده صفات و افعال است او خالق و حافظ و رازق بشر است پس اینان نیازمند مطلق و او غنی مطلق است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه این‌گونه می‌فرماید:

((فرد الله سبحانه زعمهم ذلك بقوله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ» فقصر الفقر فيهم و قصر الغنى فيه سبحانه فكل الفقر فيهم و كل الغنى فيه سبحانه و إذ كان الغنى و الفقر و هما الوجدان و فقدان متقابلين لا يرتفعان عن موضوعهما كان لازم القصر السابق قصر آخر و هو قصرهم في الفقر و قصره تعالى في الغنى فليس لهم إلا الفقر و ليس له تعالى إلا الغنى.))^۱

طبق گفته مرحوم علامه فقر در این آیه به معنای نیازمندی ابدی انسان که ناشی از فقدان هست که در مقابل غنی و بی‌نیازی ابدی خداوند قرار گرفته است.

به‌علاوه با مراجعه به کتب لغت مشاهده می‌کنیم که لسان العرب فقر را به معنای حاجت گرفته است: ((الفقر: الحاجة)) (لسان العرب ج ۵ ص ۶۰) و همچنین راغب می‌گوید فقر در چهار معنا به کار می‌رود که یکی از آن معانی به معنای نیاز ضروری هست.^۲

۳. خصاصه:

این واژه که از ریشه (خ ص ص) هست در قرآن یک‌بار آمده است، در آیه ۹ سوره حشر خداوند متعال می‌فرماید:

((وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِجُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ))؛ (و برای کسانی (از انصار) است که پیش از آنان خانه هجرت و ایمان (محیط مدینه) را برای خود مأوی گزیده‌اند و کسانی را که به‌سوی آن‌ها هجرت کرده‌اند دوست می‌دارند؛ و در سینه‌های خود چشم‌داشتی نسبت به آنچه به آن‌ها (مهاجران)

^۱ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۳۳

^۲ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۶۴۱

داده شده نمی یابند و (آنها را در اموال خود) بر خود مقدم می دارند هرچند خودشان را فقیر و نیاز باشد و کسانی که از بخل نفس خود مصون مانند آنها هستند که رستگارانند.)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه در بیان معنای خصاصه این گونه می نویسند:

و قوله: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» إيثار الشيء اختياره و تقديمه على غيره و الخصاصة الفقر و الحاجة، قال الراغب: خصاص البيت فرجه و عبر عن الفقر الذي لم يسد بالخصاصة كما عبر عنه بالخلّة انتهى.^۱
همچنین بسیاری از کتب لغت هم خصاصه را به معنای نیاز و فقر معنی کرده اند همانند معجم مقایس اللغة که خصاصه را به معنای املاق که همان حاجت و فقر هست معنی کرده است.^۲

در جای دیگر اینگونه داریم:

((وَالْخَصَاصَةُ وَالْخَصَاصَةُ وَالْفَقْرُ وَسُوءُ الْحَالِ وَالْخَلَّةُ وَالْحَاجَةُ))^۳

۴. اضطرار:

این واژه که از ریشه (ض ر ر) هست در قرآن با مشتقات خودش ذکر شده است، خداوند متعال در آیه ۱۷۳ سوره بقره می فرماید:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (؛) جز این نیست که (خداوند) بر شما، مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که (وقت تزکیه) نام غیر خدا بر آن برده شده حرام کرده؛ اما کسی که ناچار (از خوردن آنها) شود درحالی که در اصل طالب آن نبوده (و بر ضد امام عدل قیام نکرده) و از حد ضرورت هم تجاوز ننموده باشد بر او گناهی نیست، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

همچنین در آیه ۶۲ سوره نمل می فرماید:

۱ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۰۶

۲ ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، ج ۲، ص: ۱۵۲

۳ ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، ج ۷، ص: ۲۴

((أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ))؛ (آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که (دعای) شخص گرفتار را هنگامی که او را می‌خواند، پاسخ می‌دهد و آسیب و گرفتاریش را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (روی) زمین قرار می‌دهد (جانشینان خدا در روی زمین و حاضران در جای رفتگان)؟ آیا باخدای یکتا معبودی هست؟ بسیار اندک متذکر می‌شوید!

همچنین لسان العرب در ذکر معنای اضطرار نیاز من به چیزی بودن را هم ذکر کرده است.^۱

۵. املاق:

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره اسراء این‌گونه می‌فرماید:

((وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا))؛ و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم؛ حقا که کشتن آن‌ها گناهی است بزرگ.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریف می‌فرمایند:

((قوله تعالى: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» الإِمْلَاقُ الْفَقْرُ وَالْفَقْرُ))^۲

املاق از ماده ملق (بر وزن فلس) - به معنای فقر- است. اصل آن به معنی نرمی است و اطلاق آن بر فقر از این جهت است که فقر نیز انسان را نرم و ذلیل می‌کند. املاق نیز به معنای فقر و بی‌چیزی است. لسان العرب در معنای املاق این‌گونه گفته است:

((وَالْإِمْلَاقُ: الْإِفْتِقَارُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ؛ وَفِي حَدِيثِ فَاطِمَةَ بِنْتِ قَيْسٍ: أَمَا مَعَاوِيَةُ فَرَجَلْ أُمْلَقٌ مِنَ الْمَالِ. أَيْ فَقِيرٌ مِنْهُ قَدْ نَفِدَ مَالُهُ))^۳

۱ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص: ۴۸۲

۲ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۸۴

۳ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۱۰، ص: ۳۴۷